

The reasons for the lack of development of economic and commercial relations between Iran and Syria despite the presence of strategic political and security relations in the years 1390-1400

Salim Keshavarzi¹

Received: 18 July 2025

Sedigh Mirebrahim*²

Reception: 2 August 2025

Reza Shirzadi³

Abstract

The Syrian crisis lasted for ten years and not only provided the ground for the competition of regional and extra-regional powers, but this same competition of powers deepened the Syrian crisis. The Islamic Republic of Iran, which considers Syria as its strategic depth in the region, supported the Syrian government in the political, security and economic aspects during these years. Despite the high level of strategic political and security relations, the economic and commercial relations between the two countries are at a low level. Thus, this article, considering the high level of strategic political and security relations, examines the reasons for the lack of development of economic and commercial relations based on the theory of regional security complex and the descriptive-analytical research method and the use of library data and document study. Seeks to answer this question: What factors have hindered the development of economic and commercial relations between Iran and Syria despite the strategic political and security relations in 1390-1400? Understanding the reasons for the lack of development of economic and commercial relations between Iran and Syria between 1390 and 1400, as well as identifying the capacities, requirements and strategies for developing exports to Syria and increasing Iran's share in the country's market are the main goals of this research. In order to achieve a comprehensive and complete answer, the present research examines the reasons for the lack of development of economic and commercial relations between Iran and Syria in the framework of the theory of regional security complex, taking into account different points of view.

Key words: Iran, Syria, security strategy, economic relations.

¹Department of Political Science, Ka.C., Islamic Azad University, Karaj, Iransalimkeshavarzi@iau.ir

²Department of Political Science, Ka.C., Islamic Azad University, Karaj, Iranmirebrahimseddigh@iau.ir

³Department of Political Science, Ka.C., Islamic Azad University, Karaj, Iranreza.shirzadi@kia.ac.ir

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.535423.1313>

علل عدم توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران و سوریه با وجود روابط راهبردی سیاسی و امنیتی در سال-
های ۱۳۹۰-۱۴۰۰

سلیم کشاورزی^۱ ID

تاریخ دریافت: ۲۷/۰۴/۱۴۰۴

میرابراهیم صدیق^۲ ID

تاریخ پذیرش: ۱۱/۰۵/۱۴۰۴

رضا شیرزادی^۳ ID

چکیده

بحران سوریه به مدت ده سال طول کشید و نه تنها زمینه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را فراهم کرد، بلکه همین رقابت قدرت‌ها سبب تعمیق بحران سوریه شد. جمهوری اسلامی ایران که سوریه را عمق استراتژیک خود در منطقه می‌داند، در طول این سال‌ها به حمایت از دولت سوریه در بعد سیاسی، امنیتی و اقتصادی پرداخت. علیرغم سطح عالی در روابط راهبردی سیاسی و امنیتی، روابط دو کشور در روابط اقتصادی و تجاری در سطح پایینی قرار دارد. بدین ترتیب، این نوشتار با توجه سطح عالی روابط راهبردی سیاسی و امنیتی به بررسی علل عدم توسعه روابط اقتصادی و تجاری بر اساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال است که: چه عواملی مانع توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران و سوریه با وجود روابط راهبردی سیاسی و امنیتی در سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰ شده است؟ درک علل عدم توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران و سوریه بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، و همچنین شناسایی ظرفیت‌ها، الزامات و راهکارهای توسعه صادرات به سوریه و افزایش سهم ایران در بازار این کشور از اهداف اصلی این پژوهش است. پژوهش حاضر برای دستیابی به یک پاسخ جامع و کامل، با در نظر گرفتن دیدگاه‌های مختلف، به بررسی علل عدم توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران و سوریه در قالب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌پردازد.

واژگان کلیدی: ایران، سوریه، راهبرد امنیتی، روابط اقتصادی.

^۱مگروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

^۲مگروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

^۳مگروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

در شرایط دائما بحران‌زا و پرتنش خاورمیانه، تنها متحد دولتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، سوریه است. این کشور از سال ۲۰۱۱ وارد بحرانی شد که قریب به یک دهه این کشور را مشغول مسائل امنیتی کرد؛ در این بین جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تنها متحد منطقه‌ای و مهم‌ترین متحد سیاسی و امنیتی، نقش بی‌بدیلی را در حفظ حکومت بشار اسد ایفا نمود. با وجود روابط عالی راهبردی در حوزه سیاسی و امنیتی ایران در سوریه، روابط تجاری و اقتصادی دو کشور از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ روبه‌ضعف نهاد.

تا پیش از بحران سوریه روابط تجاری دو کشور ایران و سوریه به بالای نیم میلیارد دلار رسیده بود، اما در سال‌های اخیر حجم تجارت دو کشور کاهش داشته است. براساس آمار گمرک در سال ۱۳۹۹ میزان صادرات ایران به سوریه ۱۲۲ میلیون دلار بوده که سهم ۳ درصدی از بازار آن کشور را ایران داشته است. (نظام الملکی، ۱۴۰۰)

بعد از آن نیز کشورهای مصر، روسیه، هند و لبنان قرار دارند. ایران نیز رتبه هفتم صادرکنندگان به سوریه را به خود اختصاص داده است.

جمهوری اسلامی ایران با وجود ارتباطات گسترده سیاسی و نظامی با کشور سوریه به دلیل حضور و از خودگذشتگی‌های رزمندگان ایرانی مدافع حرم به فرماندهی شهید والامقام سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی از جایگاه ویژه‌ای در کشور سوریه برخوردار است و مردم و دولت سوریه مشتاق توسعه روابط اقتصادی و استفاده از کالاهای ایرانی در آن کشور هستند، اما متأسفانه به دلایلی که در این پژوهش به بررسی آن پرداخته می‌شود، روابط اقتصادی ما با سوریه نه تنها ظرف سال‌های اخیر توسعه نیافته بلکه کاهش داشته است. این در صورتی است که برای حضور و نفوذ در یک کشور، علاوه بر روابط سیاسی و امنیتی باید روابط در حوزه فرهنگی و اقتصادی نیز گسترش داد، امری که از سوی سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برای این منظور نیاز است تا در این زمینه دیپلماسی اقتصادی نیز از سوی ایران مورد استفاده قرار بگیرد.

در واقع امروزه بازیگران جدیدی نظیر شرکت‌ها و فعالان اقتصادی، یا اتحادیه‌های چندگانه فراملی به‌عنوان دیپلمات‌های اقتصادی در کنار دیپلمات‌های رسمی وارد حوزه سنتی دیپلماسی شده‌اند و با بکارگیری ابزارهای نوین دیپلماسی تلاش می‌کنند به گونه‌ای موثر به تامین منافع ملی کشورشان کمک نمایند. (موسوی شفاهی، ۱۳۸۸: ۸۸-۸۹) در این شرایط با توجه به نقش اقتصاد در شکل‌گیری روابط بین کشورها، ارتباط تنگاتنگ بین سیاست و اقتصاد وجود دارد و

دیپلماسی اقتصادی در عرصه سیاست خارجی، پیوند تنگاتنگی با جهت‌گیری و اصلاحات اقتصادی دارد و کشورهایی به استفاده از دیپلماسی اقتصادی توجه می‌کنند که مسئله توسعه اقتصادی به اولویت ملی آنها تبدیل شده باشد. (واعظی، ۱۳۸۸)

با این تفصیل، دغدغه اصلی پژوهش حاضر از آن جا نشأت می‌گیرد که با توجه به وجود روابط راهبردی سیاسی و امنیتی بین ایران و سوریه، علل عدم توسعه روابط اقتصادی و تجاری دو کشور در مقطع زمانی سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰ چیست؟ فرضیه‌ای که در این پژوهش درصدد راستی‌آزمایی آن هستیم؛ این است که عواملی همچون تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و سوریه، نگاه امنیتی محور ایران به سوریه، ضعف بخش خصوصی ایران و ضعف دیپلماسی اقتصادی از مهم‌ترین عوامل عدم توسعه روابط اقتصادی و تجاری دو کشور در مقطع زمانی سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰ است.

مواد و روش تحقیق

در این راستا، پس از پرداختن به پیشینه پژوهش و سؤال و فرضیه پژوهش حاضر، به بررسی رویکرد نظری پرداخته و روابط راهبردی سیاسی و امنیتی ایران و سوریه در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، سپس سطح روابط اقتصادی و تجاری را بررسی کرده و سپس به تحلیل دلایل عدم توسعه روابط اقتصادی و تجاری دو کشور در قالب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای پرداخته می‌شود. روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی استفاده می‌شود.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با روابط ایران و سوریه مطالعات متعددی صورت گرفته است، اما از آن جایی که موضوع بحران سوریه امری نسبتاً متاخر است، تحقیقات علمی کمتری در این باب بالخصوص در حوزه تجاری و اقتصادی به چشم می‌خورند، در اینجا به بررسی مختصری به برخی از مهم‌ترین آنها می‌پردازیم.

نویسنده	عنوان مقاله	خلاصه
آدمی و کشاورز مقدم (۱۳۹۴)	جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی	ایران ظرفیت‌های ژئوپولیتیکی ایران، امنیت ملی آن را به شدت تحت تاثیر محیط منطقه ای خاورمیانه قرار داده است. عملکرد امنیتی ایران در تحولات ناشی از بیداری اسلامی، حمایت از گروه های شیعی در یمن و بحرین و همچنین حضور فعالانه در عراق و سوریه را می توان تلاشی جهت حفظ و افزایش قدرت مجموعه امنیتی محور مقاومت و در واقع تامین امنیت ملی ایران دانست.
پیاکن (۱۴۰۰)	عوامل عدم تناسب روابط سیاسی و اقتصادی ایران و سوریه	کشور سوریه از شرکای راهبردی ایران در حوزه‌های سیاسی و امنیتی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. با این وجود، نه تنها همکاری‌های اقتصادی و تجاری دو کشور در سال‌های گذشته متناسب با هم پیوندی‌های سیاسی و امنیتی دو کشور نبوده، بلکه در سال‌های اخیر نیز کاهش پیدا کرده است.
بازرگان و پوراحمدی میبدی (۱۳۹۷)	ابعاد سیاسی و امنیتی حمایت از سوریه در سیاست خارجی ج.ا. ایران (۲۰۱۷-۲۰۱۱)	جمهوری اسلامی ایران که سوریه را عمق استراتژیک خود در منطقه می‌داند، در طول این سال‌ها در حمایت از دولت سوریه با چالش‌ها و انتقادات گسترده‌ای در سطوح داخلی و خارجی مواجه شده است، اما کماکان از مواضع خود در بحران مذکور عقب‌نشینی نمی‌کند.
جانسیز و اسمعیلی (۱۳۹۵)	سیر تحول همکاری ایران و سوریه از آغاز هزاره سوم تا بیداری اسلامی	علی رغم تغییرات قابل توجه در محیط سیاست خارجی ایران و سوریه در اوایل دهه اول قرن بیست و یکم، اتحاد استراتژیک این دو بازیگر منطقه ای در مقطع زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ تداوم یافته است.
ناجی و فرجی راد (۱۳۹۴)	آینده سیاسی سوریه و منافع استراتژیک ایران	مهمترین و شاید تنها هم پیمان منطقه ای سوریه در خاورمیانه ایران است و برای آنکه بتواند خط مقدم مقاومت در مقابل اسرائیل را حفظ کرده و جنبش های مقاومت را تقویت و حمایت نماید به همراهی حکومت سوریه نیاز دارد به همین دلیل سرنگون شدن حکومت بشار اسد برخلاف مصالح ایدئولوژیکی حکومت ایران است. در واقع سقوط دولت سوریه نوک پیکان مقاومت ایران را به عقب خواهد کشید و موقعیت منطقه ای ایران را تضعیف خواهد کرد.

<p>افزایش قدرت نرم و عمق راهبردی نرم جمهوری اسلامی ایران در سوریه و عراق پس از ظهور داعش را می‌توان در پرتو مؤلفه‌هایی چون: تحکیم و بازتولید فرهنگ مقاومت، الهام‌بخشی و افزایش نقش ایران در عرصه سیاست و حکومت عراق و سوریه، تقویت تبادلات فرهنگی و اقتصادی و ائتلاف‌سازی با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تقویت جبهه مقابله با نظام سلطه مورد ملاحظه قرار داد.</p>	<p>مؤلفه‌های افزایش قدرت نرم و عمق راهبردی ایران در سوریه و عراق پس از ظهور داعش</p>	<p>تجفی و خسروی (۱۳۹۸)</p>
---	--	----------------------------

نمودار شماره (۱): پیشینه پژوهش؛ منبع: نگارنده.

مبانی نظری

پیوند میان تجارت بین‌الملل و امنیت ملی، تاریخی طولانی دارد. شاید بتوان ریشه دیدگاه‌هایی را که به رابطه میان تجارت بین‌الملل و امنیت ملی توجه کرده‌اند، در نظریه‌های مرکانتیلیستی قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی، ملاحظه کرد. مرکانتیلیست‌ها، تجارت را وسیله کسب قدرت می‌دانستند. جمله "همسایه‌ات را گدا کن"، از معروف‌ترین شعارهای منتسب به مرکانتیلیست‌هاست که تجارت را در افزایش و کسب تراز تجاری مثبت برای قدرتمند شدن خلاصه می‌کردند. (Kennet, 2003: 24)

برقراری روابط تجاری، همواره نتیجه ملاحظات اقتصادی نیست، بلکه در مواردی اهداف سیاسی و خلاصه ملاحظات امنیتی نیز موجب شکل‌گیری ترتیبات تجاری می‌شود. (موسوی زنوز، ۱۳۹۳: ۱۲)

دو سیستم سیاسی و اقتصادی در تعامل گسترده‌ای نسبت به یکدیگر به سر می‌برند و نظریات معطوف به تقدم هر کدام بر دیگری، بر وجهی از تقلیل‌گرایی گرفتار آمده است. پویش امنیت در سیستم سیاسی، نزدیک‌ترین تعامل با وجوه سیستم اقتصادی را داراست، به طوری که بر بعد امنیت در هر دو ساختار عنایت شایانی می‌گردد. علاوه بر محیط داخلی، تعاملات این دو سیستم در محیط بین‌المللی نیز به روش‌های مختلف به مطالعه در آمده است. (Gill and Law, 1988)

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای از سوی مکتب کپنهاگ و نظریه پردازان مشهور آن، باری بوزان و ال ویور ارائه شده است. آنها در این نظریه با برجسته‌سازی مفاهیمی چون مجاورت، تاریخ مشترک، الگوهای دوستی و دشمنی و شیوه‌های مشابه امنیتی کردن، توانسته‌اند مؤلفه‌های فرهنگ، تاریخ و جغرافیا را در تحلیل مسائل کشورها وارد کنند و عناصر مادی و فرامادی را با

¹ Beggar thy neighbor

یکدیگر درآمیزند و همسان با آن، تحولات درون کشوری را با فرایندهای فراکشوری مسائل منطقه‌ای را با منافع ملی کشورها تلفیق کنند. (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۶-۶۱)

تز اصلی بوزان و همکارش ویور، نظریه امنیت منطقه‌ای است و بر این فرض استوار است که پایان جنگ سرد آغاز ناامنی‌های بسیار گسترده‌ای شده که ریشه در محدودیت‌های مکاتب رئالیستی و ابعاد امنیت دارد، بدین ترتیب که مکتب واقع‌گرا با تلقی دولت به عنوان یگانه موضوع امنیت و نیز مکتب جهان‌گرا با تلقی نظام بین‌المللی به عنوان یگانه عامل امنیت، از کانون تکوین حرکت‌های اصلی منطقه غفلت کرده‌اند. بنابراین لازم است برای ارائه فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت به ساختار منطقه و ویژگی‌های کشورهای که در منطقه‌ای خاص قرار دارند و از معضلات امنیتی مشابهی برخوردارند، توجه کرد. او برای دستیابی به تحلیلی واقعی از امنیت منطقه‌ای به روابط مبتنی بر قدرت، الگوی دوستی و دشمنی با دولت‌ها را افزود و تئوری مجموعه‌های امنیتی را مطرح کرد. در این نظریه، دولت‌ها مهمترین واحد تحلیل به شمار می‌آیند و بر بخش‌های نظامی و سیاسی به مثابه حوزه اصلی روابط امنیتی تأکید می‌شود. سیستم‌های منطقه‌ای و چارچوب برخورد با آنها از نظر امنیتی مورد توجه قرار می‌گیرد و استقلال نسبی روابط امنیتی منطقه‌ای مشخص می‌شود. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۱۸)

از نظر این مکتب امنیت منطقه‌ای یک نظام امنیتی است که کشورهای واقع در آن اولاً دغدغه امنیتی مشابهی دارند، ثانیاً از نظر تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی دارای خاثرات یا سرنوشت نسبتاً مشترکی می‌باشند و واحدهای تشکیل دهنده آن بر حسب نگرانی‌ها و درک و برداشت یکسان از تهدیدات، به منظور ایجاد و حفظ خود تن به قواعد و ساز و کارهای مشخص می‌دهند. (نصری، ۱۳۸۴: ۵۷۰)

بوزان در علل اهمیت امنیت منطقه‌ای، بر چندین اصل تأکید می‌کند، که ما در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

وابستگی متقابل امنیتی

منظور از وابستگی متقابل امنیتی این است که تغییر و تحولات امنیتی در هر یک از واحدهای مجموعه باعث ایجاد تغییر و تحول در موقعیت سایر اعضای مجموعه می‌شود. علت استفاده از معیار «متقابل بودن» تأکید بر تأثیر و تأثر امنیتی است. یعنی چنانچه یک یا چند واحد از مجموعه امنیتی در یک چرخه تأثیر و تأثر قرار نداشته باشد، آن مجموعه دیگر مجموعه امنیتی نیست. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۲۷۹) در مجموعه امنیتی منطقه‌ای، دولت‌های موجود در آن مجموعه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و تأثیر می‌پذیرند. از اینرو بحث امنیت آنها به هم وابسته است.

الگوهای دوستی یا دشمنی

دیگر عنصر تشکیل دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظر بوزان، وجود «الگوی دوستی و دشمنی میان دولت‌ها» است. منظور وی از دوستی بیان این مطلب است که در روابط میان دولت‌ها طیف وسیعی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت را شامل می‌شود و منظور او از دشمنی اشاره به روابطی میان واحدهاست که در آن سوءظن و ترس حاکم باشد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۵) بنابراین وجود الگوی دوستی و دشمنی شرطی اساسی برای تشکیل یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای در دیدگاه بوزان است.

مجاورت

سومین معیاری که برای موجودیت یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای ملاک عمل قرار می‌گیرد، وجود نزدیکی جغرافیایی میان اعضای مجموعه است. اما عامل مجاورت و نزدیکی جغرافیایی برای تشکیل یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای هر چند لازم است لیکن این عامل نمی‌تواند در مقام ویژگی اساسی و قطعی برای شناخت مجموعه‌ها مدنظر قرار گیرد.

وجود حداقل دو بازیگر مؤثر

مطابق با این معیار نمی‌توان یک مجموعه امنیتی را بدون حداقل دو بازیگر قدرتمند و مؤثر منطقه‌ای تصور کرد. این ملاک بیانگر این است که تعدادی کشور ضعیف از یک منطقه نمی‌توانند مجموعه امنیت منطقه‌ای را تشکیل دهند. اما شکل‌گیری آن با حضور حداقل دو قدرت منطقه‌ای مؤثر و چندین کشور ضعیف امکان‌پذیر است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۲۲)

استقلال نسبی

بر اساس معیار استقلال نسبی، مجموعه امنیتی در جایی وجود دارد که روابط امنیتی، گروهی از کشورها را از سایرین جدا کرده و به یکدیگر پیوند زده است و بر کنش و واکنش‌های درونی شدید امنیتی و کنش و واکنش‌های محدود و ضعیف خارجی حاکم باشد. (Buzan, 1991: 195)

ایران و سوریه با توجه به معیارهای ارائه شده توسط بوزان یک مجموعه امنیت منطقه‌ای را تشکیل می‌دهند، که هر ۵ معیار فوق را دارا هستند؛ با توجه به رابطه متقابل سیاست و اقتصاد، احساس می‌شود که برای مستحکم شدن این مجموعه امنیتی، علاوه بر روابط سیاسی و امنیتی نیاز است تا دو کشور روابط روبه‌رشد و مناسبی از پیوند اقتصادی و تجاری نیز داشته باشند.

سوریه از جمله کشورهایی است که تقابل و کنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست، موجب شکل‌گیری نوعی رقابت منطقه‌ای و بین‌المللی برای تأثیرگذاری، کسب منافع و مدیریت بحران در این کشور شده است. در واقع یکی از عوامل اصلی صف‌بندی نیروهای خارجی در بحران سوریه، ژئوپلیتیک این کشور می‌باشد. ژئوپلیتیک این کشور باعث برانگیخته شدن حس رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است. (نجات و ولدانی، ۱۳۹۲: ۳۴)

عمق استراتژیک کشورها در تأمین امنیت ملی نقش به‌سزایی دارد. به‌عبارت‌دیگر، کشوری که در نقاط مختلف دارای عمق راهبردی است، به تهدید کمتری مبتلا شده و در نتیجه برای تأمین امنیت ملی، هزینه کمتری متحمل می‌شود. عمق استراتژیک به معنای توانمندی بازیگر در جذب یک حمله به درون خاک خود است؛ به‌طوری‌که بتواند زیرساخت‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و صنعتی‌اش را از آسیب محفوظ نگه دارد. (بولدینگ و ایستون، ۱۹۹۹: ۶۱-۶۳)

سوریه تنها متحد وفادار عربی ایران در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و مجرای اصلی کمک‌های مالی و نظامی ایران به حزب‌الله لبنان و حماس فلسطین از دهه ۱۹۸۰ بوده است. (Goodarzi, 2013: 25)

پایه‌های دفاعی که زیربنای تشکیل اتحاد ایران و سوریه در اوایل دهه ۱۹۸۰ در راستای حمایت سوریه از ایران در جنگ هشت‌ساله و همچنین هم‌سویی دو دولت در مقابل حمله اسرائیل به لبنان تشکیل شده بود، هم چنان بعد از اتمام جنگ سرد نیز تداوم یافت. پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، آمریکا حضور مستقیم خود را در خاورمیانه اعمال کرد و علاوه بر حضورش در خلیج فارس، مستقیماً وارد خاک افغانستان و بعد خاک عراق که همسایه مشترک ایران و سوریه است، شد. در واقع هرچه ایران و سوریه در طول دهه (۲۰۱۰-۲۰۰۰) از آمریکا دورتر می‌شدند، روابطشان با یکدیگر افزایش می‌یافت. (جانسیز، ۱۳۹۵: ۲۵-۲۶)

از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ رؤسای جمهور ایران و سوریه پانزده بار با هم دیدار کردند که بیشتر دیدارهای طرفین بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ بوده است که در طول این دیدارها علاوه بر مذاکره درباره مسائل دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، دو طرف همواره از مواضع همدیگر در مورد ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران و تبرئه سوریه در پرونده تحقیق سازمان ملل درباره ترور رفیق حریری، نخست‌وزیر پیشین لبنان حمایت می‌کردند. (Maltzahn, 2013: 49)

دلایل بهبود و گسترش روابط ایران و سوریه پس از پیروزی انقلاب اسلامی

۱. ارتباط دولت سوریه با مخالفان رژیم شاه قبل از انقلاب؛
۲. تغییر بنیادین در سیاست خارجی ایران و در پیش گرفتن سیاست مستقل؛
۳. قطع رابطه با اسرائیل که باعث خشنودی مردم جهان عربی و سوریه شد؛
۴. مخالفت هر دو کشور با صلح مصر و اسرائیل و تأثیرات آن در منطقه؛
۵. مخالفت هر دو کشور با سیاست‌های رژیم بعث عراق به عنوان دشمن مشترک؛
۶. حمایت هر دو کشور از مقاومت اسلامی در فلسطین و لبنان؛
۷. حمایت سوریه از جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران. (نوروزی فرد و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۷)

دو کشور در طول دوره بعد از انقلاب اسلامی، روندهای شکل گرفته در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، دو کشور را در کنار هم قرار داده است؛ این امر بالاخص در حیطه سیاسی و امنیتی و اوج آن نیز با ظهور داعش در سوریه کاملاً مشهود است؛ اما شاهد این امر هستیم که با پیوند گرم‌تر سیاسی و امنیتی ایران و سوریه، از سطح روابط اقتصادی و تجاری ایران و سوریه کاسته می‌شود.

روابط اقتصادی و تجاری ایران و سوریه

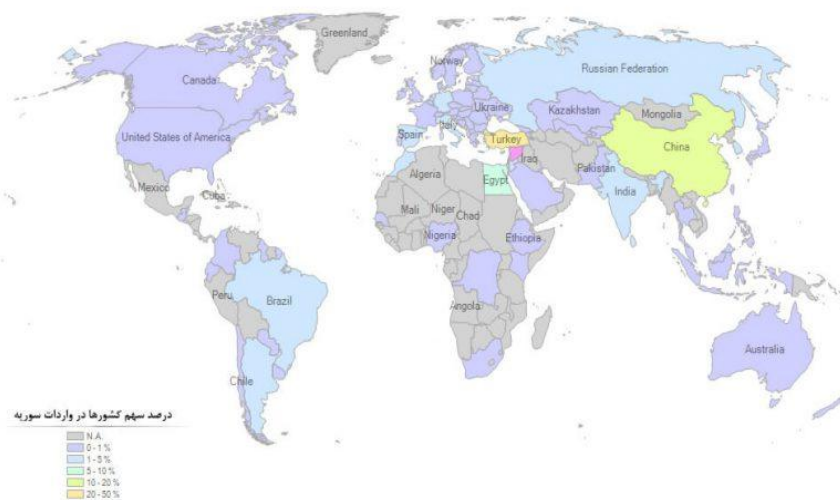
سوریه کشوری است با آب و هوای مرطوب سواحل مدیترانه، که پهنه‌های خشک و نیمه و خشک سه چهارم دیگر این کشور را پوشانده‌اند. از نظر تاریخی نیز سوریه به همراه لبنان، فلسطین و اردن بخشی از سرزمین معروف شام را تشکیل می‌دادند و از این جهت دارای سابقه تاریخی پربراری است به طوری که پیشینه زندگی در پایتخت این کشور (دمشق) به ۸ تا ۱۰ هزار سال قبل از میلاد می‌رسد و به اولین پایتخت دنیا شهرت دارد.

همچنین این کشور با قرار گرفتن در منطقه نفت خیز خاورمیانه امکان تجارت نفت و گاز را برای آن ممکن ساخته است؛ همین امر این کشور را در بخش ترانزیت در زمینه اقتصاد نفتی برجسته نموده است. با این وجود در حال حاضر حدود نیمی از مردم سوریه (۴۶٪) به کشاورزی اشتغال دارند. بیشترین محصولات که این کشاورزان تولید می‌کنند عبارت است از پنبه، میوه و دانه‌های خوراکی به ویژه گندم. نیم دیگر مردم که در شهرها سکونت دارند در صنایع تولیدی مانند صنعت نساجی و صنایع غذایی مشغول فعالیت‌اند. ناگفته نماند تا قبل از بحران این کشور در سال ۲۰۱۰، نسبت به سایر کشورهای عربی رشد خوبی در صنایع تولیدی

و مهندسی مانند صنایع پوشاک، کاغذ و ساخت لوازم برقی خانگی داشته و بخش قابل توجهی از مردم به تولید وسایلی چون یخچال، ماشین لباسشویی، جاروبرقی، تلویزیون، سیستم‌های صوتی، حتی ساخت وسایل نقلیه، تراکتور و تجهیزات کشاورزی و راه سازی اشتغال داشتند. ایران نیز در بخش انرژی، کشاورزی، بخش فنی و مهندسی از توانایی قابل توجهی برخوردار است که بخشی از این توانایی را معطوف به صادرات و سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها اختصاص داده است.

ایران در سال‌های اخیر بخش قابل توجهی از تمرکز خود در بازارهای صادراتی را به بازار کشورهای همسایه و منطقه اختصاص داده و در حالی که صادرات به کشورهای عربی مانند عراق و امارات متحده عربی روند صعودی داشته اما در سوریه فعالیت‌های تجاری مشترک محدود بوده است. بررسی آمار و ارقام نشان می‌دهد پیش از بحران سوریه روابط تجاری دو کشور ایران و سوریه به بالای نیم میلیارد دلار رسیده بود، اما در سال‌های اخیر حجم تجارت دو کشور کاهش داشته است. این درحالی است که اقتصاد سوریه بیش از گذشته نیازمند جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. در سال ۲۰۲۰ سهم جمهوری اسلامی ایران از بازار سوریه حدود ۳ درصد بوده و بر این اساس در این سال در رتبه هفتم در بین صادرکنندگان به سوریه قرار داشته است. با وجود روابط سیاسی نزدیکی که بین دو کشور ایران و سوریه برقرار است، حتی با وجود پیشینه قوی تجاری بین دو کشور، در حال حاضر روابط تجاری این دو کشور تعریف چندانی ندارد و به نقل از آمارهای بین‌المللی سهم صادرات ایران به سوریه تقریباً صفر است.

کشورهای واردکننده به سوریه در سال ۲۰۲۰



نقش شماره (۱)، صادرکنندگان به سوریه؛ منبع: <https://solotis.ir/blog/exporting-to-syria>

همان طور که در نقشه بالا مشاهده می‌شود، ترکیه اولین و بزرگ‌ترین واردکننده به کشور سوریه است. طبق آمار **trademap** این کشور در سال ۲۰۲۰ به ارزش ۱۵۹۵۷۸۴ هزار دلار آمریکا صادرات داشته است. چین با صادرات ۸۳۳۶۰۵ هزار دلار و مصر با ۲۸۸۶۵۷ هزار دلار نیز به ترتیب در مقام‌های دوم و سوم قرار دارند. سایر کشورهای مهم صادرکننده به سوریه عبارتند از روسیه، هند و لبنان.

بررسی آماری نشان می‌دهد میزان واردات سوریه از بازارهای جهانی از حدود ۱۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ به ۵ و نیم میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ کاهش پیدا کرده است. بر این اساس در سال ۲۰۲۰ بین کشورهای صادرکننده کالا به سوریه، ترکیه با صادرات بیش از ۱.۳ میلیارد دلاری خود، در رتبه اول، چین با ۱.۱ میلیارد دلار در رتبه دوم، امارات با ۹۶۸ میلیون دلار در رتبه سوم، مصر با ۲۳۵ میلیون دلار در رتبه چهارم، لبنان با ۲۳۳ میلیون دلار در رتبه پنجم، کره جنوبی با ۲۱۶ میلیون دلار در رتبه ششم، روسیه با ۱۸۷ میلیون دلار در رتبه هفتم و ایران با ۱۷۲ میلیون دلار در رتبه هشتم اصلی‌ترین صادرکنندگان کالا به سوریه هستند. در یک جمع‌بندی میزان صادرات ایران به سوریه طی ۱۱ سال اخیر با کاهش ۶۶ درصدی از ۵۱۶ میلیون دلار در سال ۸۹ به ۸۵ میلیون دلار در نیمه اول سال ۱۴۰۰ رسید.

با وجود اینکه روابط ایران و سوریه را می‌توان کهن‌ترین روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی بین ایران و یکی از کشورهای عربی منطقه خاورمیانه دانست. این روابط بالاخص در بخش اقتصادی هیچگاه در حد عالی نبوده‌است ولی همواره نقاط مشترک زیادی بالاخص در بخش سیاسی بوده‌است که تمایل به حفظ روابط در حد خوب را موجب شده‌است. با وجود گرمی روابط در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ روابط اقتصادی دو کشور فروکش کرد، که در جدول زیر به سطح این روابط اشاره خواهیم نمود.

سال	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰
صادرات	۵۱۶	۳۶۵	۱۵۹	۱۱۵	۱۰۰	۱۴۹	۲۵۶	۳۲۶	۱۵۸	۱۶۰	۱۲۲	۲۱۸
واردات	۲۹	۲۶	۲۴	۱۰	۹	۸	۹	۱۳	۶	۱۱	۱۷	۳۰
حجم مبادلات	۵۴۵	۳۹۱	۱۸۳	۱۲۵	۱۰۹	۱۵۷	۲۶۵	۳۳۹	۱۶۴	۱۷۱	۱۳۹	۳۴۸
تغییر تجاری	+۴۸۶	+۳۳۹	+۱۳۵	+۱۰۵	+۹۱	+۱۴۱	+۲۴۷	+۳۱۳	+۱۵۲	+۱۴۹	+۱۰۵	+۱۸۸

جدول شماره (۱): حجم روابط تجاری ایران و سوریه؛ منبع: دفتر تجارت ایران و سوریه (۱۴۰۰)

دلایل و عوامل کاهش روندهای روابط تجاری-اقتصادی ایران و سوریه از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰

مهم‌ترین دلایل و عوامل کاهش روندهای روابط تجاری-اقتصادی ایران و سوریه را می‌توان به شرح ذیل و در سه سطح به طور خلاصه برشمرد:

سطح کلان (بین‌المللی)

شامل فشارهای سیاسی و اقتصادی و به ویژه اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران و همچنین کشور سوریه و در نتیجه قطع کامل روابط بانکی میان دو کشور و همچنین شیوع ویروس کرونا در انتهای دوره مذکور و به تبع آن کاهش شدید ارتباطات تجاری و حجم مبادلات تجاری در سطح جهان. (پیلتن، ۱۴۰۰: ۸)

• تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران در زمینه تجارت خارجی از سوی نهادهای

بین‌المللی

ایران یکی از معدود کشورهای جهان است که اختلافات بسیار شدید در مسایل مختلف با آمریکا و قدرت‌های غربی دارد. این اختلاف‌ها باعث شده است که هدف تحریم‌های آمریکا، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل متحد قرارگیرد. وضع تحریم‌های اقتصادی باعث گردیده است که مبادلات تجاری بین ایران و شرکای تجاری آن، دچار انواع مشکلات و موانع گردد. در فرایند تحریم‌های اقتصادی، شواهد حاکی از آن است که ایران با تغییر ساختار تجارت خارجی و از طریق افزایش تجارت با کشورهای نظیر چین، هند، افغانستان و سایر کشورهای که تحت تحریم‌های اقتصادی آمریکا قرار ندارند و به هر دلیل تحریم‌های اقتصادی آمریکا و

اتحادیه اروپا را در مناسبات تجاری خود با ایران لحاظ نمی‌کنند، کوشیده‌اند به طور نسبی، با دور زدن تحریم‌ها، جریان کالاهای ضروری را برای رشد و توسعه اقتصادی خود تا حد ممکن حفظ نمایند. (مهرگان و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۵۸)

اعمال تحریم‌های غیرقانونی آمریکا علیه کشور و کاهش شدید سطح فعالیت‌ها و مراودات تجارت خارجی در نتیجه توقف ارتباطات بانکی و حمل‌ونقلی با سایر کشورها از جمله سوریه و کاهش توان شرکت‌های صادراتی و افزایش قیمت تمام شده محصولات ایرانی در بازارهای خارجی از جمله سوریه سبب پایین بودن سطح روابط اقتصادی بین دو کشور شده است. (پیلتن، ۱۴۰۰: ۸)

• توان بالای رقبای منطقه‌ای ایران از جمله ترکیه در تلاش برای کسب نفوذ اقتصادی در سوریه

ترکیه در حالی که طی یک دهه گذشته از نیروهای مخالف بشار اسد حمایت کرده و به تبع آن، تنش‌های گسترده‌ای نیز با روسیه داشته، اما صادراتش به سوریه ۱۰ برابر ایران و صادراتش به روسیه ۶ برابر ایران است. دلیل اصلی را باید در حرص دولت ترکیه در اعمال نفوذ اقتصادی در دیگر کشورها دانست؛ یکی از اهداف ترکیه با این هدف صورت می‌گیرد که بتواند رقبای منطقه‌ای همچون ایران را در اعمال نفوذ بیشتر در سوریه کنار بزند.

• ناامنی در عراق و عدم وجود قانون تسهیل ترانزیتی در این کشور

یکی از راه‌های دستیابی به بازار سوریه، از کشور عراق صورت می‌گیرد. این درحالی است که در تجارت زمینی با سوریه از طریق عراق، به علت نداشتن توافقاتنامه‌های لازم با کشور عراق محدودیت‌های جدی وجود دارد که لازم است مسئولان وزارت امور خارجه و صمت اقدامات لازم جهت تسهیل در امر حمل و نقل زمینی را در این خصوص با طرف عراقی معمول نمایند.

با توجه به اینکه سوریه هم‌مرز با ایران نیست، هزینه انتقال و مدت زمان ارسال کالا افزایش می‌یابد. به دلیل پذیرفته نشدن عهدنامه «کارنه تیر» از سوی عراق و قوانین سخت ترانزیتی در این کشور، تردد کالاها به سختی صورت می‌گیرد؛ از سوی دیگر ارسال محصولات از طریق مرز دریایی با ترکیه نیز هزینه‌بر و زمان‌بر است. سوریه تحریم است و بر اساس قانون سزار هر

تجارتی با این کشور، تحریم را برای فروشنده به همراه دارد به همین دلیل مشکلات انتقال مالی نیز ادامه دارد. (ورستان، ۱۴۰۱)

سطح میانه (دولت‌های دو کشور)

در سطح میانی نیز، عواملی چند وجود دارد که سبب‌ساز حجم پایین روابط اقتصادی-تجاری دو کشور شده است که به آنها اشاره می‌کنیم.

• نگاه امنیتی صرف ایران به منطقه شامات

نگاه ایران به منطقه شامات و مخصوصاً سوریه، بیشتر نگاهی امنیتی — سیاسی ترجمه شده و به سایر ابعاد بالاخص در حوزه فرهنگی و اقتصادی توجهی نشده و حتی طرحی هم برای آن وجود ندارد.

رضا محتشمی‌پور قائم مقام بورس کالای ایران این موضوع را در قالب یک مثال این‌گونه توضیح می‌دهد.

«فرض کنید در جنگی توپخانه به شدت و حدت کار می‌کند اما نیروی پیاده ای وجود ندارد و حتی برنامه‌ای برای ورود نیروهای پیاده به میدان هم وجود ندارد، لذا تصور چنین جنگی سخت است اما واقعیت آن است که ما اکنون در چنین شرایطی قرار داریم». (محتشمی‌پور، ۱۳۹۹)

بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران در لایه امنیتی — نظامی در منطقه شامات و سوریه حضوری کاملاً چشمگیر داشته و به‌نحو بسیار عالی توانسته است در بعد امنیتی و سیاسی در عراق و سوریه موضوع را مدیریت کند؛ اما در فاز بعد از این اقدام، آمادگی و حضور برای فعالیت‌های اقتصادی که لازمه یک نفوذ همه‌جانبه و موثر است را اعمال نکرده است.

«لذا من فکر می‌کنم که شاید این تفسیر، تفسیر مربوط به دوران حاضر نباشد، شاید چنین نگاهی مربوط به ۱۰۰ سال پیش است به طوری که ۱۰۰ پیش کشورها وقتی با یکدیگر درگیر می‌شدند و در صورتی که در حوزه نظامی پیروز می‌شدند یا شکست می‌خوردند موضوع را تمام شده می‌دانستند اما امروز این طور نیست و وقتی در حوزه سیاسی درگیر هستید همزمان در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز درگیر هستید و هر کدام از این‌ها پرونده خودش را می‌طلبد و شما در آن حوزه‌ها باید طرحی را برای اقدام داشته باشید.» (محتشمی‌پور، ۱۳۹۹)

• قرار گرفتن سوریه در جبهه مقدم مقابله با رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی همواره از دغدغه‌های امنیتی دو کشور ایران و سوریه بوده و هست؛ همین امر عاملی بوده تا توجه ایران معطوف به مهار این کشور باشد و سوریه را به‌عنوان جبهه مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی از لحاظ امنیتی و سیاسی تقویت کند. بر این اساس نگاه امنیتی به سوریه برای مقابله با رژیم صهیونیستی، ایران را از ضرورت افزایش روابط تجاری-اقتصادی غافل نموده است.

• ضعف دستگاه سیاست خارجی ایران در تلاش برای فراهم کردن زمینه حضور

تجار ایرانی در سوریه

دیپلماسی یا روابط دیپلماتیک به دانش ارتباط میان سیاستمداران و سران کشورهای جهان گفته می‌شود.

دیپلماسی در دنیای امروز تنها محدود به مسائل سیاسی نبوده بلکه به دلیل گسترش پدیده جهانی‌شدن و وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر هم از لحاظ تعداد بازیگران درگیر در دیپلماسی و هم از لحاظ حوزه‌های تحت پوشش توسعه یافته است. در این مسیر جنبه‌های غیرسیاسی به‌ویژه دیپلماسی تجاری و اقتصادی از اهمیت و وزن بیشتری در روابط بین‌المللی پیدا نموده است. بر این اساس به مناسبات سیاسی بر مبنای ارجحیت‌های اقتصادی اولویت داده می‌شود. از این رو، دیپلماسی اقتصادی به مفهوم اهمیت یافتن مناسبات اقتصادی در روابط خارجی، یکی از ابزارهای مهم برای پیشبرد اهداف بلندمدت رشد و توسعه اقتصادی کشورها به حساب می‌آید. این موضوع به‌ویژه در فرآیند جهانی‌شدن اقتصاد، اهمیتی دوچندان یافته است. (دهقانی فیروزآبادی و دامن پاک جامی، ۱۳۹۴: ۱۱)

جمهوری اسلامی ایران بخاطر وجود ضعف دیپلماسی، عدم شناخت کارشناسی، کمبود و نقص قوانین و زیرساخت‌ها و عدم حضور بخش خصوصی؛ باعث گردیده که کشور نتواند از ظرفیت‌های موجود در این خصوص بهره برداری لازم و کافی را بنماید و نتیجتاً جمیع این عوامل موجب گردیده تحقق ظرفیت‌های اقتصادی و توسعه روابط اقتصادی فعال با همسایگان در عمل حاصل نگردد. (عباداله زاده، ۲۰۱۷) همین امر در مورد روابط اقتصادی-تجاری ایران و سوریه نیز صدق می‌کند، که عاملی در پایین بودن روابط اقتصادی دو کشور است.

• غلبه مقابله با داعش دغدغه ایران در مواجهه با بحران سوریه

با شروع بحران سوریه، داعش موفق شد بخش‌هایی از شمال سوریه را تصرف و تقریباً سراسر استان رقه را تصرف کند. سپس، همزمان با اقدام نظامی در سوریه به عراق حمله کرد و کنترل

رمادی و فلوجه در عراق را در اختیار می‌گیرد. در سال ۲۰۱۴ داعش با گسترش اقدام نظامی خویش توانست موصل، دومین شهر عراق را تصرف کند و کنترل بخش زیادی از خاک عراق از جمله تکریت را نیز بدست گرفت. پیشروی داعش تا نزدیکی‌های بغداد، یکی از شگفتی‌های راهبردی محسوب می‌شود. درگیر شدن داعش با سوریه بعنوان متحد راهبردی ایران نگرانی‌های زیادی برای جمهوری اسلامی ایجاد کرد. ضرورت مقابله با داعش، تمام حواس و بخش بزرگی از توان ایران را معطوف شکست دادن داعش کرد؛ بر این اساس توانمندی ایران در سوریه در بخش امنیتی و سیاسی خلاصه شد و از حضور اقتصادی ایران در سوریه کاسته شد.

سطح خرد (بنگاهی)

عدم سابقه کافی و برخورداری از توانایی‌های حرفه‌ای و مالی شرکت‌های تولیدی و صادراتی ایرانی در مقایسه با رقبای خود و عبور از موانع تحریمی برای استفاده از فرصت‌های ناشی از تحولات داخلی و بین‌المللی مرتبط با نیازهای جدید اقتصاد و تجارت سوریه و خروج بسیاری از رقا از بازار این کشور؛ به دلیل اعمال تحریم‌ها علیه دو کشور و همچنین فشارهای اقتصادی ناشی از آن و شیوع ویروس کرونا (پلتن، ۱۴۰۰: ۸) از عوامل پایین بودن روابط اقتصادی دو کشور است که در زیر به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

• ضعف اقتصادی ایران در زمینه صادرات کالا و سرمایه‌گذاری از سوی بخش

خصوصی

بخش خصوصی ایران به دلیل ضعیف بودن همیشه به دنبال راه‌های کم‌ریسک برای سرمایه‌گذاری است. به‌عنوان مثال، عدم امکان نقل و انتقال از طریق مسیر زمینی باعث افزایش چند برابری هزینه‌های حمل بار شده است.

برای حل این مشکل نیز باید از طریق ترانزیت کالا در عراق اقدام شود که قانون ترانزیت در عراق فعلاً مصوب نشده، لذا دیپلماسی اقتصادی باید این پیگیری‌ها را انجام می‌داد که انجام نداده، اگرچه در این موضوع از ناحیه برخی کشورها به عراق فشار وارد می‌شود، اما با توجه به تبادلات اقتصادی ایران با عراق در حوزه‌های مختلف انرژی، ما این امتیاز را به راحتی می‌توانستیم از عراق بگیریم که نیازمند درک درست از اهمیت آن بود. (مقصودی، ۱۳۹۹)

• ضعف بخش خصوصی ایران در تجارت خارجی با کشورهای همسو با

سیاست‌های ایران

تفاوت فرهنگی، زبانی و اختلافات نژادی بین دو کشور عاملی است که بخش خصوصی ایران آنچنان علی‌رغم همسویی سیاسی دو کشور، میلی برای سرمایه‌گذاری در کشور سوریه نداشته باشند.

فاصله جغرافیایی، اختلافات نژادی، زبانی، مذهبی، قومی بین مردم ایران و سوریه؛ همچنین حمایت دولت شیعی ایران از سرکوب خونین شورش اخوان‌المسلمین سوریه در فوریه ۱۹۸۲ که تا دهه‌های متمادی بر اذهان اکثریت جامعه سوریه که سنی مذهب بودند سنگینی می‌کرد. (Gelbart, 2010: 38) از دلایلی بود که باعث شد تعاملات خودجوش اقتصادی و اجتماعی بین مردم و نخبگان غیر دولتی در دو کشور ایران و سوریه پدید نیاید، و مردمان دو کشور خود را جزء یک جامعه مشترک به مفهومی که مدنظر کارل دوچ برای تشکیل یک جامعه امنیتی کثرت‌گرا در غرب بود احساس نکنند.

• وجود ذهنیتی مبنی بر ناامنی در سوریه در اذهان سرمایه‌داران و صادرکنندگان

ایرانی

در این یک دهه اخیر نام سوریه مساوی است با ناامنی، داعش، عملیات انتحاری و مخالفت با شیعه‌مذهبان در ذهن بسیاری از مردم. همین ذهنیت نیز در اذهان سرمایه‌داران و صادرکنندگان ایرانی نقش بسته است. بر اساس این نوع ذهنیت، شاهد سطح پایین روابط تجاری-اقتصادی سرمایه‌داران و تجار ایرانی با کشور سوریه است.

برای حفظ و دفاع از منافع ملی، نیاز است تا کشورها علاوه بر توجه به درون مرزهای خود، به مجاورت خود و کشورهای همسوی با اهداف خود نیز توجه داشته باشند؛ سوریه از جمله کشورهایی است که به‌عنوان متحد استراتژیک شناخته می‌شود؛ اما با وجود روابط عالی در حوزه امنیتی و سیاسی روابط دو کشور در حوزه تجاری و اقتصادی بالاخص در یک دهه اخیر در حد دو متحد منطقه‌ای نیست. در همین راستا، مسئله اساسی از منظر این پژوهش بر این اساس بود که عوامل اصلی عدم توسعه روابط تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و سوریه در مقطع زمانی یعنی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ با وجود روابط عالی امنیتی و سیاسی کدامند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که: در دنیای امروز روابط کشورها عمدتاً در سه بعد اقتصادی، سیاسی و امنیتی بررسی می‌شود که جنبه اقتصادی آن به‌عنوان زیربنای این رابطه است. در بررسی رابطه ایران و سایر کشورها حتی هم‌پیمانانش، متأسفانه به این مسئله توجه کافی نشده که نمونه بارز آن حجم مبادلات تجاری با سوریه است. از مهم‌ترین علل عدم توسعه روابط ایران و سوریه را باید در سه سطح کلان، میانه و خرد تقسیم‌بندی کرد. در مجموع این عوامل باید به این موارد اشاره نمود که: نگاه ایران به سوریه بیشتر امنیتی - سیاسی ترجمه شده و به سایر ابعاد بالاخص در حوزه فرهنگی و اقتصادی توجهی نشده و حتی طرحی هم برای آن وجود ندارد. همچنین کم‌توجهی وزارت امور خارجه در تسهیل حضور تاجران دو کشور در کشورهای یکدیگر و ضعف دیپلماسی اقتصادی دانست، ضعف بخش خصوصی ایران و عدم توانایی قدرت رقابت با رقبای ترکی و مصری؛ و عدم تسهیل ترانزیت از سوی عراق نیز نقش مهمی دارد. در ده سال مورد بررسی، نگاه ایران به سوریه بیشتر امنیتی و در حوزه جبهه مقاومت، مقابله با داعش، جبهه‌گیری در مقابل رژیم صهیونیستی و رقابت با ترکیه، عربستان و آمریکا در سوریه است که توان ایران در این کشور را متمرکز به حوزه امنیتی و سیاسی کرده است تا حوزه اقتصادی و تجاری.

نمودار شماره (۲): عوامل علل عدم توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران و سوریه در سال‌های

۱۳۹۰-۱۴۰۰؛ منبع: نگارنده

از آنجا که داشتن یک روابط راهبردی و استراتژیک نیاز است تا علاوه بر روابط سیاسی و امنیتی مناسب و گرم در حوزه فرهنگی و اقتصادی نیز دو کشور دارای روابط روبه‌رشدی باشند؛

امری که در روابط ایران و سوریه از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ در بخش اقتصادی و تجاری دارای ضعف می‌باشد. برای برطرف نمودن این نقیصه نیاز است تا به موارد زیر توجه شود:

- یافتن مسیری برای دور زدن و بی‌اثر کردن تحریم‌های غرب؛
- حمایت و تسهیل ارتباطات تجاری میان فعالان بخش خصوصی دو کشور؛
- استفاده از دیپلماسی اقتصادی در راستای حضور موثر اقتصادی در سوریه؛
- هماهنگی میان دستگاه‌های دولتی و خصوصی کشور در راستای حضور موثر و موفق در سوریه؛
- تضمین امنیتی به شرکت‌ها، صادرکنندگان و سرمایه‌گذاران ایرانی در رابطه با وضعیت داخلی سوریه؛
- استفاده از نفوذ فرهنگی در راستای حضور اقتصادی در سوریه؛
- گرفتن امتیاز و تسهیل ترانزیتی از عراق برای صادرات کالا و خدمات به سوریه.

استناد:

کشاوری سلیم، صدیق میرابراهیم، شیرزادی رضا. علل عدم توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران و سوریه با وجود روابط راهبردی سیاسی و امنیتی در سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰. *فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران* 1404 ,

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.535423.1313>

- آدمی، علی، الهام کشاورز مقدم (۱۳۹۴)، جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۲، تابستان.
- بازرگان، ابوالفضل، حسین پوراحمدی میدی (۱۳۹۷)، ابعاد سیاسی و امنیتی حمایت از سوریه در سیاست خارجی ج. ا. ایران (۲۰۱۷-۲۰۱۱)، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۹، شماره ۳، بهار.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۷)، راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن قوای منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۱، شماره ۴.
- بوزان، باری، ال ویور (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل، ترجمه رحمان قهرمانپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۷۷)، مشکل امنیت ملی در جهان سوم، مترجم واحد ترجمه، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره ۲.
- پیلتن، فرزاد (۱۴۰۰)، راهکارهای حضور در بازار سوریه، روزنامه کیهان، شماره ۲۲۸۲۳، ۱ شهریور ۱۴۰۰.
- جانسیز، احمد، علی اسمعیلی (۱۳۹۵)، سیر تحول همگرایی ایران و سوریه از آغاز هزاره سوم تا بیداری اسلامی، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۹، شماره ۳۶، زمستان.
- دفتر تجارت ایران سوریه (۱۳۹۹)، گزارش وضعیت اقتصادی سوریه - دفتر هماهنگی اقتصادی ایران در حلب سوریه، ۰۹ / ۱۰ / ۱۳۹۹.
- زارعشاهی، احمد علی (۱۳۷۹)، بی‌ثباتی سیاسی و امنیت اقتصادی؛ و تأثیر آن بر عوامل تولید در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۳، شماره ۷ و ۸، تابستان، صص ۲۲۲-۲۴۱.
- عبدالله زاده، بهرام (۲۰۱۷)، علل عدم موفقیت جمهوری اسلامی ایران در حوزه روابط اقتصادی با همسایگان، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، September 6, 2017.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، مرتضی دامن پاک جامی (۱۳۹۴)، جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی دولت یازدهم، دوره ۲۹، شماره ۱، صص ۷-۵۲.

- محتشمی پور، رضا (۱۳۹۹)، مقایسه سهم ایران و ترکیه در تجارت با سوریه، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۹/۰۹/۲۶، شناسه خبر: ۱۳۹۹۰۹۲۵۰۰۰۸۵۹.
- مقصودی، محسن (۱۳۹۹)، مقایسه سهم ایران و ترکیه در تجارت با سوریه، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۹/۰۹/۲۶، شناسه خبر: ۱۳۹۹۰۹۲۵۰۰۰۸۵۹.
- مهرگان، نادر، محمد غفاری فرد، مرتضی کاظمی (۱۴۰۱)، نقش تحریم های اقتصادی در تجارت بین ایران و افغانستان، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی و هشتم، بهار، صص ۲۵۷-۲۸۱.
- موسوی زنوز، موسی (۱۳۹۳)، رابطه امنیت ملی و تجارت بین الملل مطالعه موردی، امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تجارت بین الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۱۴، بهار، صص ۱۰۹-۱۴۲.
- ناجی، ناصر، عبدالرضا فرجی راد (۱۳۹۴)، آینده سیاسی سوریه و منافع استراتژیک ایران، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، دوره ۱۲، شماره ۴۵، بهار.
- نجفی، سجاد، علی رضا خسروی (۱۳۹۸)، مؤلفه های افزایش قدرت نرم و عمق راهبردی ایران در سوریه و عراق پس از ظهور داعش، فصلنامه آفاق امنیت، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، تابستان.
- نجات، سید علی، اصغر جعفری ولدانی (۱۳۹۲)، بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه، پژوهش های سیاسی، سال ۳، شماره ۸، صص ۲۹-۴۹.
- نصری، قدیر (۱۳۸۴)، تأملی روش شناختی بر مکتب بارفتار منطقه ای امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲.
- نظام الملکی، بهرام (۱۴۰۰)، نگاهی به مشکلات اساسی تجارت ایران و سوریه، خبرگزاری جمهوری اسلامی، کد خبر: ۸۴۶۱۱۶۲۹ / ۲۳ / ۱۰ / ۱۴۰۰.
- نوروزی فرد، علیرضا، محمدرضا حافظنیا، ریواز قربانی نژاد (۱۳۹۹)، بررسی آینده روابط ایران و سوریه و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک منطقه ای، فصلنامه آمایش سیاسی فضا، دوره ۳، شماره ۱، زمستان.

— ورسطان، توحید(۱۴۰۱)، روابط اقتصادی تهران-دمشق در سایه رقابت رقبای، ۱۴۰۱/۰۲/۳۰،
منبع: <https://www.tahlilbazaar.com/news/151503>

Buzan, Barry(1994), "The Interdependence of Security And Economic _
Issues in the New WorldOrder" in: Richard Stubbs and Geoffrey R.,
Political Economy and The Changing Global Order,Great Britain,
Macmillan Press LTD.

Security: "A New Buzan, Barry, Waever, Ole, Jaap De Wilde(1998)___
Framework for Analysis", Lynne Rienner Publishers.

Gelbart, Jonathan (2010), "The Iran-Syria Axis: A Critical ____
Investigation". Stanford Journal of International Relations, Vol.12,
No.1.

Gill, Stephen and David, Law, The Global Economy: Perspectives, ____
Problems and Policies,Hemel Hempstead: Harvester Wheatsheaf,
1988, Ch.1.

Goodarzi, Jubin(2013), Iran: Syria as the first line of defence, in: ____
Julien Barnes-Dacey and Daniel Levy, The Regional Struggle for Syria,
European Council on Foreign Relations (ECFR).

Kennett, David, "A New View of Comparative E_